

بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در
بین زنان بازداشت شده در مرکز مبارزه با
مفاسد اجتماعی شهر تهران

The Relationship Between the Attachment Style and the
Extramarital sex Relationship Among Married Women
in Residential Center for Deviant Women

F. Sohrabi, Ph.D. ✉

F. Rasoli, B. A.

دکتر فرامرز سهرابی ✉

استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی

فاطمه رسولی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

Abstract

Extramarital relationship is the main issue in the family, which still remains a topic of interest for many researchers, particularly in the field of sociology and psychology. This study aims to determine the role of attachment style in extramarital sexual relationship in married women.

In order to achieve the goal of the study 55 married women who had extramarital sex relationship were selected in residential center of deviant women.

چکیده:

مسئله روزافزون روابط جنسی فرازناشویی به‌عنوان یکی از عوامل آسیب‌زا در ساختار و ثبات خانواده، توجه بسیاری از متخصصان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. این پژوهش از میان عوامل متعدد روانی - اجتماعی مؤثر در این زمینه به بررسی سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در میان زنان پرداخته است. به منظور رسیدن به اهداف پژوهش ابتدا ۵۵ نفر از زنان متأهلی که به علت داشتن روابط نامشروع در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی

✉Correspornding author: Dept. of Psychology,
Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
Tel:+9821-44737622
Fax:+9821-44737572
Email: sohrabi@atu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران - انتهای بزرگراه همت - میدان دهکده -
دانشگاه علامه طباطبایی - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی -
گروه روان‌شناسی بالینی
تلفن: ۰۲۱-۴۴۷۳۷۶۲۲ - دورنما: ۰۲۱-۴۴۷۳۷۵۷۲
email: sohrabi@atu.ac.ir - پست الکترونیکی:

70 normal women who had no extramarital relationship were matched as a control group with the study group to compare. Both groups completed the Hazan and Shiver attachment style questionnaire. The Chi-Square and Phi-coefficient were used to analysis the data.

The result of the study indicated that women with insecure attachment style are more at risk of extramarital sexual relationship. A significant correlation was found between education level and extramarital sex relationship, rate. Insecure attachment style may predispose women extramarital sex relationship. Given to the findings, modifying the attachment style into secure type would help to overcome the problem.

Keywords: attachment style, extramarital relationship, women

شهر تهران بازداشت شده بودند، با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. گروه کنترل نیز شامل ۷۰ نفر از زنانی که روابط فرازنشویی نداشتند، با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

هر دو گروه پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور را پر کردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر محاسبه فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و نمودارهای مربوطه، از آزمون خی‌دو و ضریب فای و کرایمر استفاده شد.

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که بین سبک دلبستگی نایمن و روابط فرازنشویی رابطه وجود دارد ($P < 0/01$) و زنانی که سبک دلبستگی نایمن خصوصاً سبک نایمن اجتنابی دارند رابطه فرازنشویی بیشتری دارند ($P < 0/05$). علاوه بر این مشخص شد که بین میزان تحصیلات و روابط فرازنشویی رابطه وجود دارد. به این معنی که میزان روابط فرازنشویی در میان زنان با تحصیلات پایین بیشتر است ($P < 0/01$).

کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی، روابط فرازنشویی، زنان

مقدمه

خانواده، اساسی‌ترین واحدی است که هر کس به آن تعلق دارد؛ یک نظام اجتماعی - طبیعی که ویژگی‌های خاص خود را دارد. رابطه اعضای این خرده‌فرهنگ رابطه‌ای عمیق و چند لایه است. در چنین نظامی، افراد به وسیله علایق و دلبستگی‌های عاطفی نیرومند و پایدار و متقابل به یکدیگر متصل می‌شوند. هرچند ممکن است در طول زمان این دلبستگی‌ها نوسان یابد ولی به هر حال، در سراسر حیات خانواده به بقای خود ادامه خواهد داد. وجود همین دلبستگی‌ها و احساس تعلق‌هاست که شکل‌دهنده نگرش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها و به‌طور کلی ریشه‌ها در فرزندان خانواده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۱؛ به نقل از براتی، ۱۳۸۵). بنابراین، سبک دلبستگی فرد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در برقراری و تداوم روابط فرد با دیگران در دوران نوجوانی و بزرگسالی داشته باشد. رابطه‌ای که شاید، در میان سایر روابط از اهمیتی ویژه برخوردار باشد، رابطه با همسر است که در قالب ساختار

خانواده صورت می‌گیرد. با وجود این که تشکیل خانواده و رابطه با همسر، از سالم‌ترین و ارضاکنده‌ترین رابطه‌هاست، اما آسیب‌های متعددی نیز وجود دارد که به این رابطه امن صدمه می‌زند. یکی از این صدمات وجود خیانت یا روابط جنسی فرازناشویی^۲، از سوی هر یک از همسران است. این نوع روابط، منجر به تعارضات عمیق، جدایی، طلاق و آسیب‌های روانی و اجتماعی دیگر می‌شود. با وجود این که عوامل متعددی در این روابط نقش دارند، اما نوع ارتباط هر کدام از همسران با طرف مقابل خود همان‌طور که ذکر شد از روابط اولیه آن‌ها با والدین‌شان اثر می‌پذیرد. الگوهای سالم و با ثبات رابطه والد - فرزندی در الگوی با ثبات و سالم همسری نیز نقش دارد (همان منبع).

با توجه به ماهیت تحقیق می‌توان گفت که متغیر پیش‌بین در این تحقیق سبک دلبستگی و متغیر ملاک تحقیق نیز روابط فرازناشویی است. متغیر تعدیل‌کننده میزان تحصیلات و متغیر کنترل سن می‌باشد. روابط فرازناشویی در این تحقیق برقرار کردن ارتباط جنسی یک فرد متأهل یا عقد دائم با جنس مخالف، خارج از چارچوب خانواده است (کاوه، ۱۳۸۳). کلمات خیانت و روابط جنسی فرازناشویی در این پژوهش معادل این واژه به کار رفته است. در این پژوهش معیار تأیید رابطه فرازناشویی در گروه نمونه حضور آن‌ها در بازداشتگاه مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی به علت داشتن ارتباط نامشروع بوده است.

سبک دلبستگی، عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که فرد با افراد خاصی در زندگی برقرار می‌کند، به طوری که باعث می‌شود در تعامل با آن‌ها احساس نشاط و شغف کرده، و به هنگام استرس از این‌ها در کنار خود می‌بیند احساس آرامش کند (به نقل از سید محمدی، ۱۳۸۴). سه سبک دلبستگی عمده وجود دارد: دلبستگی ایمن^۳، دلبستگی نایمن - اجتنابی^۴ و دلبستگی نایمن - دوسوگرا^۵.

برای افراد دارای سبک دلبستگی ایمن آسان است که با دیگران رابطه نزدیک برقرار کنند، از این که به دیگران تکیه کنند و نیز اجازه دهند که دیگران به آن‌ها تکیه کنند، احساس راحتی می‌کنند. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی از این که به دیگران نزدیک شوند، احساس ناراحتی می‌کنند و نمی‌توانند به طور کامل به دیگران اعتماد کنند. افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا، کسانی هستند که احساس می‌کنند دیگران مایل نیستند آن قدر که آن‌ها دوست دارند با آن‌ها رابطه نزدیک داشته باشند. آن‌ها اغلب نگران هستند که همسرشان واقعاً آن‌ها را دوست نداشته باشد یا نخواهد که در آینده با آن‌ها زندگی کند. آن‌ها مایلند با بعضی افراد کاملاً یکی شوند، ولی این خواسته بعضی اوقات باعث ناراحتی و دوری مردم از آن‌ها می‌شود. در این پژوهش سبک دلبستگی ایمن از طریق انتخاب گزینه ۳ و سبک دلبستگی اجتنابی با گزینه ۲ و دوسوگرا به وسیله انتخاب گزینه ۱ پرسشنامه هازان و شیور تعیین شده است.

خصوصیات خلقی کودک و نگرش‌ها، رفتار و شخصیت والدین الگوی ویژه‌ای از تبادل اجتماعی بین کودک و هر یک از والدین ایجاد می‌کند. تقریباً هر نظریه‌پردازی فرض بر این دارد که این الگوی تبدالی به روش‌های متفاوتی در رشد روانی کودک تأثیر می‌گذارد. در قرن حاضر روان‌شناسان عملاً معتقدند روابط کودکان با افرادی که مراقبت آنان را به عهده دارند، پایه‌های مهمی برای رشد عاطفی و شناختی آنان محسوب می‌شود (بالبی^۶، ۱۹۶۹؛ فروید^۷، ۱۹۶۴؛ واتسون^۸، ۱۹۲۸؛ به نقل از یاسایی، ۱۳۸۴).

در بررسی دیدگاه‌های نظری در زمینه روابط فرزندناشویی می‌توان گفت که نظریه‌پردازی مشخصی در زمینه روابط فرزندناشویی صورت نگرفته است. بنابراین، در این جا به بررسی چند نظریه مربوط به خانواده‌درمانی پرداخته می‌شود و سپس دیدگاه دو تن از روان‌درمانگران خانواده که سال‌ها با افراد دارای روابط فرزندناشویی کار کرده‌اند، ارائه می‌شود.

نظریه رابطه با محبوب که توسط رونالد فایربرن^۹ (۱۹۶۳) ابداع گردید، روشی را توصیف می‌کند که فرد به صورت ناهشیار، روابطش را براساس تجارب قبلی زندگی‌اش شکل می‌دهد. تجارب اولیه فرد، انتظارات خاصی را به وجود می‌آورد که شخص در آینده در روابطش با افراد مهم زندگی‌اش در جستجوی آن است. در رویکرد زوج‌درمانی هیجان‌مدار، تعارضات زناشویی هنگامی بروز می‌کنند که زوجین در رفع نیازهای دلبستگی (امنیت، ایمنی و رضایت) یکدیگر قصور می‌ورزند، یعنی آشفتگی روابط زناشویی نمایانگر قصور زوجین در برقراری یک رابطه برخوردار از سبک دلبستگی ایمن می‌باشد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰؛ به نقل از براتی، ۱۳۸۵).

روابط فرزندناشویی از دید درمانگران بیشتر بر دو مفهوم بی‌وفایی یا خیانت تأکید دارد. بی‌وفایی کلیه رفتارها و عملکردهای یک فرد متأهل، با جنس مخالف خارج از چارچوب خانواده است، به نحوی که منجر به ارتباطی دوستانه، صمیمانه، عاطفی و عاشقانه شود، به صورتی که این ارتباط هیجان‌های خاصی را برای همسر اقدام‌کننده داشته باشد. خیانت^{۱۰} شامل برقرار کردن ارتباط جنسی یک فرد متأهل با جنس مخالف خارج از چارچوب خانواده (غیر از همسر) است (کاو، ۱۳۸۳).

با عنایت به این نکته مهم که موضوع ارتباط فرزندناشویی موضوعی ضداخلاقی و یک نوع پنهان کاری است، تحقیق در ابعاد مختلف آن و دسترسی به این گونه افراد مشکل می‌باشد، به همین دلیل تحقیقات در این زمینه اندک است. بنابراین، ارائه نتایج تحقیقاتی که در پی می‌آید، ممکن است به طور مستقیم با موضوع تحقیق حاضر ارتباط نداشته باشد، ولی در راستای سوابق محسوب می‌شوند. بین سبک‌های دلبستگی با گرایش‌های ضداجتماعی ارتباط معکوس معنی‌داری وجود دارد یعنی هرچه رابطه با والدین بهتر و سبک دلبستگی ایمن‌تر باشد گرایش‌های ضداجتماعی کمتر است (رستمی، ۱۳۸۱؛ به نقل از حسنی، ۱۳۸۳) و سبک‌های نایمن با مشکلات زیاد در روابط زناشویی رابطه دارد. علاوه بر این ویژگی روابط زوجینی که سبک ایمن دارند؛ اطمینان و اعتماد میان فردی است، در

حالی که ویژگی روابط میان فردی زوجینی که سبک ناایمن دارند، مشکلات بیشتر است (بشارت، ۲۰۰۳). زوج‌های ایمن سطوح بالاتر صمیمیت و تعهد را در روابط خود دارند و افراد اجتنابی، سطوح پایین‌تر این ویژگی‌ها را گزارش کرده‌اند (کیرک و دیویس^{۱۱}، ۱۹۹۴؛ به نقل از عسگری، ۱۳۸۲). زوج‌های ایمن رضایت زناشویی بیشتری نسبت به زوج‌های ناایمن دارند (حمیدی، ۱۳۸۶).

روش

در این تحقیق از طرح پس رویدادی یا علی - مقایسه‌ای استفاده شده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش زنان متأهلی بودند که به علت داشتن روابط نامشروع دستگیر و در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی شهر تهران بازداشت شده بودند. گروه نمونه مورد مطالعه (گروه اول)، شامل ۵۵ نفر از زنانی می‌شد که به علت رابطه نامشروع در تاریخ ۱۳۸۶/۱/۲۳ در مرکز مبارزه با مفاسد شهر تهران، بازداشت شده بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. گروه گواه، شامل ۷۷ نفر از زنان متأهل در دسترس بودند که روابط فرازناشویی نداشتند. این گروه ضمن نداشتن رابطه فرازناشویی، تجانس سنی با گروه اول داشتند.

ابزار پژوهش

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور (AAQ) (نسخه جدید، ۱۹۹۳) استفاده شد. آزمودنی باید در بخش اول پاسخ‌هایش را روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای از نوع لیکرت که از «کاملاً مخالف» تا «کاملاً موافق» درجه‌بندی شده، مشخص کند. در بخش دوم، مجدداً همان توصیف‌ها مطرح شده ولی این بار آزمودنی باید تنها با علامت زدن یکی از آن‌ها تشابه خود را با یکی از آن توصیف‌ها بیان کند (بزرگر، ۱۳۸۵). در پژوهشی پاکدامن (۱۳۸۰) پایایی آزمون با روش بازآزمایی را بعد از یک‌ماه برای دلبستگی ایمن ۰/۳۷، برای دلبستگی اجتنابی ۰/۵۶، و دلبستگی دوسوگرا ۰/۷۲ گزارش داد و با ارزیابی میزان همبستگی سه توصیف اصلی آزمون به اعتبار واگرا یا تشخیصی (که نوعی اعتبار سازه است) به این سه توصیف دست یافت و نشان داد که این سه توصیف سه محتوای متفاوت از نظر دلبستگی را می‌سنجند. چرا که همبستگی دلبستگی ایمنی‌بخش با دلبستگی اجتنابی ۰/۱۰ و با دلبستگی اضطرابی ۰/۵۴؛ همبستگی دلبستگی اجتنابی با دلبستگی اضطرابی ۰/۱۴ بود (حسینی، ۱۳۸۳). پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور به صورت فردی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌ها

جدول ۱: مقایسه درصد سبک‌های دلبستگی در دو گروه دارای روابط فرازنشویی و بدون روابط فرازنشویی

سبک دلبستگی			گروه‌ها	
ناایمن - دوسوگرا	ناایمن - اجتنابی	ایمن	دارند	روابط فرازنشویی
٪۲۵	٪۵۳	٪۲۲	دارند	
٪۱۰	٪۲۳	٪۶۷	ندارند	

همان‌گونه که در داده‌های تحقیق مندرج در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، بیش از سه چهارم (۷۸ درصد) زنان بازداشت شده‌ای که دارای سبک دلبستگی ناایمن (ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا) بوده‌اند، روابط جنسی فرازنشویی برقرار کرده بودند. مقایسه سطح تحصیلات دو گروه زنان با و بدون روابط فرازنشویی نشان داد که ۴۷٪ افرادی که رابطه فرازنشویی داشتند دارای تحصیلات ابتدایی و سیکل بودند و به‌طور کلی نزدیک به ۹۰٪ آن‌ها تحصیلات زیردیپلم تا دیپلم داشتند. در افرادی که روابط فرازنشویی نداشتند ۷۷٪ تحصیلات زیردیپلم تا دیپلم و ۳۰٪ تحصیلات دانشگاهی داشتند. هم‌چنین در بررسی دامنه سنی زنان دارای رابطه فرازنشویی معلوم شد ۴۷٪ افرادی که روابط فرازنشویی دارند در محدوده سنی ۲۱ تا ۲۵ سال و نزدیک به ۶۹٪ آن‌ها در محدوده سنی ۱۸ تا ۲۵ سال، ۲۰٪ در محدوده سنی ۲۶ تا ۳۰ سال و ۱۱٪ در محدوده سنی ۳۱ تا ۳۵ سال بودند. بیشترین میزان روابط فرازنشویی در بین زنان بازداشتی در سنین ۲۱ تا ۲۵ سال بود. برای بررسی سبک دلبستگی زنان دارای رابطه فرازنشویی و زنانی که رابطه فرازنشویی ندارند، از آزمون خی‌دو و ضریب فای و کرایمر استفاده شد.

جدول ۲: رابطه سبک دلبستگی با امکان برقراری روابط فرازنشویی

سبک دلبستگی	رابطه دارد		رابطه ندارد	
	E	O	E	O
ایمن	۱۲	۲۵/۹	۴۷	۳۳/۱
اجتنابی	۲۹	۱۹/۸	۱۶	۲۵/۲
دوسوگرا	۱۴	۹/۳	۷	۱۱/۲
جمع	۵۵	۵۵	۷۰	۷۰
درجه آزادی	سطح معناداری	ارزش خی‌دو	مقدار	
df=2	۰/۰۱	۹/۲۱	$\chi^2=۲۵/۱۶$	

با توجه به مقدار χ^2 دو بدست آمده و درجه آزادی (۲) ارزش میزانی برای معناداری χ^2 دو در سطح ۰/۰۱ برابر با ۹/۲۱ است. لذا با ۰/۹۹ اطمینان می‌توان گفت بین سبک دلبستگی دو گروه دارای رابطه فرازناشویی و بدون رابطه فرازناشویی تفاوت معناداری وجود دارد. گام بعدی تعیین میزان شدت رابطه با استفاده از ضریب کرایمر بود ($C=0/91$) که نشان داد بین سبک دلبستگی و روابط فرازناشویی رابطه‌ای معنادار و قوی وجود دارد.

جدول ۳: رابطه نوع سبک دلبستگی با امکان برقراری روابط فرازناشویی

جمع	رابطه ندارد		رابطه دارد		نوع دلبستگی
	E	O	E	O	
۵۹	۳۳/۱	۴۷	۲۵/۹	۱۲	ایمن
۶۶	۳۶/۹	۲۳	۲۹/۴	۴۵	ناایمن
۱۲۵	۷۰	۷۰	۵۵	۵۵	جمع
مقدار		ارزش χ^2 دو	سطح معنی‌داری		درجه آزادی
$\chi^2=25/16$		۶/۳۶	۰/۰۱		df=۱

با توجه به مقادیر مندرج در جدول ۳، $\chi^2=25/16$ که در سطح ۰/۰۱ ارزش میزانی برای معناداری χ^2 دو ۶/۳۶ دارد، با ۰/۹۹ اطمینان می‌توان گفت که تفاوت بین دو سبک دلبستگی معنادار است و زنانی که روابط فرازناشویی دارند سبک ناایمن‌تری دارند. برای تعیین میزان رابطه از ضریب کرایمر استفاده شد. میزان همبستگی بین سبک دلبستگی ناایمن و رابطه فرازناشویی ۰/۴۴ بدست آمد. برای مقایسه فردی نیز از آزمون χ^2 دو استفاده شد.

جدول ۴: مقایسه دو گروه در دو سبک دلبستگی ناایمن

اجتنابی و سبک دوسوگرا

سبک دلبستگی		E	O
ناایمن اجتنابی		۲۱/۵	۲۹
ناایمن دوسوگرا		۲۱/۵	۱۴
جمع		۴۳	۴۳
درجه آزادی		ارزش χ^2 دو	سطح معنی‌داری
df=۱		۳/۸۴	۰/۰۵

با توجه به مقدار $\chi^2 = 4/5$ ، جدول شماره ۴ که برای معناداری در سطح ۰/۰۵ ارزش χ^2 دو، برابر با ۳/۸۴ است؛ لذا با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت که در افرادی که روابط فرازنشویی دارند سبک دلبستگی اجتنابی بیشتر از سبک دوسوگرا است. محاسبه ضریب فای برای تعیین میزان همبستگی نشان داد که ضریب همبستگی بین سبک دلبستگی اجتنابی و روابط فرازنشویی ۰/۳۲ است ($P=0/32$).

جدول ۵: رابطه میزان تحصیلات زنان با امکان برقراری روابط فرازنشویی

جمع	رابطه ندارد		رابطه دارد		میزان تحصیلات
	E	O	E	O	
۴۱	۲۲/۶	۱۵	۱۸/۰۴	۲۶	ابتدایی و سیکل
۶۲	۳۴/۷	۳۹	۲۷/۲۳	۲۳	متوسطه و دیپلم
۲۱	۱۱/۷	۱۶	۳۴/۹	۶	دانشجو و لیسانس
۱۲۵	۷۰	۷۰	۵۵	۵۵	جمع
مقدار	ارزش χ^2 دو		سطح معنی‌داری		درجه آزادی
	۹/۲۱		۰/۰۱		$df = 2$

با توجه به مقادیر مندرج در جدول شماره ۵، برای معناداری در سطح ۰/۰۱ ارزش χ^2 دو برابر با ۹/۲۱ است، با ۰/۹۹ اطمینان می‌توان گفت که تفاوت بین گروه‌ها معنادار بوده و بین میزان تحصیلات و رابطه فرازنشویی رابطه وجود دارد. تعیین ضریب همبستگی از طریق ضریب کرایمر ($C=0/65$) نشان داد که همبستگی بین تحصیلات پایین (زیردیپلم) و روابط فرازنشویی ۰/۶۵ است.

به‌طور خلاصه نتایج حاصل از بررسی داده‌ها نشان داد که بین سبک دلبستگی دو گروه مورد مطالعه یعنی زنان دارای رابطه فرازنشویی و زنانی که رابطه فرازنشویی نداشتند؛ تفاوت معنی‌داری وجود دارد و زنان گروه اول سبک دلبستگی نایمن‌تری نشان دادند. همچنین در این گروه زنان (رابطه فرازنشویی داشتند) سبک دلبستگی نایمن اجتنابی بیشتر از دو سوگرا بود و بین میزان تحصیلات پایین و روابط فرازنشویی رابطه معنی‌داری وجود داشت.

بحث

نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بیشتر افرادی که دارای رابطه فرازنشویی بودند، سبک دلبستگی نایمن داشتند. این یافته‌ها همسو با یافته‌های کیرک

و دیویس (۱۹۹۴) است که اظهار داشتند، بین سبک دلبستگی ایمن و سطوح بالاتر رضایت و صمیمیت و تعهد رابطه وجود دارد. از آنجا که ترز و جیسن (۲۰۰۰) براساس یک زمینه‌یابی گسترده عنوان می‌کنند که یکی از دلایل متعدد روابط فرازناشویی رضایت ذهنی کمتر از رابطه زناشویی است؛ می‌توان عنوان کرد که این پژوهش همسو با تمام تحقیق‌هایی است که نشان دادند، بین سبک دلبستگی ناایمن و رضایت زناشویی کمتر، رابطه وجود دارد؛ از جمله می‌توان به یافته‌های بشارت (۲۰۰۳)، سنچاک و کنت (۱۹۹۹) اشاره کرد. همچنین این پژوهش تأییدکننده تحقیق رستمی (۱۳۸۱) است که عنوان می‌کند بین سبک دلبستگی ایمن و رفتارهای ضداجتماعی رابطه معکوس وجود دارد. براساس پژوهش‌های کسیدی (۱۹۹۸)، به‌نقل از عسگری، (۱۳۸۲) افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، اعتماد به نفس بیشتر، برداشت مثبت بیشتر از خود و خودآگاهی بالاتری دارند.

این ویژگی‌ها سبب می‌شود که این افراد روابط صمیمی و عمیقی با دیگران برقرار کنند، لذا احتمال برقرار کردن روابط فرازناشویی به‌عنوان رابطه‌ای ناپه‌نجار و آسیب‌زا در این افراد کمتر است. بنابراین، در افراد دارای سبک ایمن، اعتماد به خود و تعهد در رابطه، فرد را قادر به برقراری روابط سالم با دیگران می‌کند. از آنجا که رابطه با همسر از طولانی‌ترین و مهم‌ترین روابط بشری است نقش مهم و تعیین‌کننده سبک دلبستگی ایمن در حفظ و پیشبرد آن روشن‌تر و مشخص‌تر می‌شود.

در افرادی که رابطه فرازناشویی دارند، سبک دلبستگی اجتنابی بیشتر از سبک دلبستگی دوسوگرا است. علاوه بر آن، مشخص شد که افراد دارای روابط فرازناشویی بیشتر سبک دلبستگی اجتنابی دارند. این یافته‌ها همسو با تحقیق جیکولینس و همکاران (۲۰۰۲) است که بیان می‌کنند سبک دلبستگی اجتنابی یک عامل خطر برای روابط زیان‌بخش است. همچنین این پژوهش همسو با یافته‌های کیرک و دیویس (۱۹۹۹)، به‌نقل از عسگری) است که بیان می‌کنند، افراد با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا تعهد کمتری به زندگی زناشویی دارند. این یافته‌ها را می‌توان این‌گونه تبیین کرد: از آنجا که افراد دارای سبک اجتنابی، خودپنداره ضعیفی دارند و قادر به برقراری روابط صمیمی و عمیق با دیگران، از جمله با همسر نیستند، بنابراین تعارض‌های میان‌فردی بیشتری را (خصوصاً با همسر) تجربه می‌کنند که خود عاملی زمینه‌ساز برای روابط فرازناشویی است.

از سوی دیگر میزان روابط فرازناشویی در افرادی که تحصیلات پایین‌تری داشتند، بیشتر بود. یک تبیین برای این یافته می‌تواند این باشد که سبک دلبستگی فرد و مشکلات درون‌فردی و میان‌فردی‌ای که تحت تأثیر این سبک قرار دارد، خود عاملی برای ادامه ندادن تحصیل و درگیر شدن در روابط آسیب‌زای فرازناشویی بوده است. می‌توان تبیین دقیق‌تری نیز ارائه داد و آن این است که به دلیل این‌که این افراد هوش یا توانمندی‌های کمتری داشتند توسط مأمورین مبارزه با مفاسد دستگیر شده‌اند و افرادی که تحصیلات بالاتری دارد از راه‌های زیرکانه‌تری که احتمال دستگیری آن‌ها را

کمتر می‌کند، استفاده می‌کنند. علاوه بر این، خانواده‌ای که در آن والدین از طریق سبک‌های نایمن با فرزندان خود ارتباط برقرار می‌کنند، احتمالاً می‌توانند با جلوگیری مستقیم از ادامه تحصیل فرزندان خود، زمینه را برای درگیری فرزندانشان در روابط فرازناشویی، مهیا کنند.

از آنجایی که سبک دلبستگی‌ای که در دوران کودکی شکل می‌گیرد نقش مهمی در برقراری ارتباط با جنس مخالف خصوصاً با همسر در چارچوب خانواده و یا با فردی غیر از همسر در چارچوب روابط فرازناشویی دارد؛ به نظر می‌رسد مهم‌ترین کاربست عملی این پژوهش اصلاح سبک دلبستگی والدین و آموزش روش‌های صحیح ارتباط برقرار کردن با کودک برای پیشگیری از روابط فرازناشویی این کودکان در آینده است. گام بعدی و در واقع پیشگیری ثانویه غربالگری و تشخیص زودرس کودکان و نوجوان دارای سبک‌های نایمن و اصلاح سبک‌های دلبستگی آن‌ها از طریق مشاوران، آموزگاران و والدین است. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد ایجاد برنامه‌های آموزشی خصوصاً برای مربیان مهدهای کودک و معلمان مقاطع ابتدایی و راهنمایی که دلبستگی کودک در این مراحل هنوز انعطاف‌پذیر است، برای تشخیص و برخورد مؤثر با این کودکان گام مهمی در جلوگیری از مشکلات آتی باشد و نهایتاً این که درمانگران و مشاوران ازدواج می‌توانند با در نظر گرفتن این زمینه مهم زمینه‌ساز تفاهم هرچه بیشتر زوجین و کاهش هر بیشتر احتمال آسیب به ساختار خانواده باشند.

یادداشت‌ها

1. Goldenberg & Goldenberg
2. Extra marital sexual relationship
3. insecure
4. Insecurely (avoidant)
5. Insecurely (ambivalent)
6. Bowlby
7. Freud
8. Watson
9. Fairburn. Ronald
10. Infidelity
11. Kirk, V. G & Davis, C. G

منابع

براتی، ز. (۱۳۸۵). بررسی اثر آگاه شدن زوجین از رابطه ویژگی‌های خانواده اصلی و خانواده فعلی‌شان بر افزایش رضایت زناشویی آن‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

- برزگر، ک. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و هویت چهارگانه مارسیا در دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهرستان یزد در سال تحصیلی ۸۵-۸۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- برک، لورا ای. (۱۳۸۴). روان‌شناسی رشد: از لقاح تا کودکی. (ترجمه ی. سیدمحمدی، جلد اول). تهران: انتشارات ارسباران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۱).
- برک، لورا ای. (۱۳۸۵). روان‌شناسی رشد: از نوجوانی تا پایان زندگی. (ترجمه ی. سیدمحمدی، جلد دوم). تهران: نشر ارسباران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۱).
- حسینی، ا. (۱۳۸۳). بررسی عوامل روانی - اجتماعی مؤثر بر رفتارهای ضداجتماعی دختران نوجوان ۱۴-۱۸ ساله شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- حمیدی، ف. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با رضامندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳(۹)، ۴۵۲-۴۴۳.
- دلاور، ع. (۱۳۸۵). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی (چاپ نوزدهم). تهران: انتشارات ویرایش.
- عزیزی، ل. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و سازش روان‌شناختی در زنان مبتلا به سرطان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- عسگری، م. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و سخت‌رویی با آمادگی به اعتیاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- کاوه، س. (۱۳۸۳). روان‌شناسی بی‌وفایی و خیانت. تهران: انتشارات هنرهای اندیشه.
- ماسن، پ.، کیگان، ج.، هوستون، آ.، و کانجر، ج. (۱۳۸۴). رشد و شخصیت کودک (ترجمه: م. یاسایی). تهران: انتشارات مرکز (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۰).
- منصور، م. و دادستان، پ. (۱۳۸۳). روان‌شناسی ژنتیک (۲): از روان تحلیل‌گری تا رفتارشناسی. تهران: انتشارات رشد.

- Besharat, M. A. (2003). Relation of attachment style with marital conflict. *Psychology Report, 92 (3pt2)*, 1135-40.
- Gcollins, N. L., Cooper, L. M., Albino, A., & Allard, (2002). Psychosocial vulnerability from adolescence To adulthood: A prospective study of attachment style differences in relationship functioning and partner choice. *Journal of Psychology, 10(6)*, 965-1008.
- Senchak, M., & Kenneth, E. L. (1999). Attachment style and marital adjustment among newly wed couples. *Journal of Social and Personal Relationship, 9(1)*, 51-64.
- Treas, J., & Giesen, D. (2000). Sexual infidelity among married and cohabiting americans. *Journal of Marriage and Family, 62(1)*, 48.